

يا لطيف

اخلاق اجتماعی

۱- تواضع در لغت و اصطلاح را تعریف کنید و بگویید نقطه مقابل آن، کبر است یا تکبر؟ چرا؟

تواضع از ماده وضع به معنای افتادگی و فروتنی است و در اصطلاح یعنی انسان خود را برتر از دیگران نبیند. البته این حالت درونی در رفتار و گفتار شخص نمود پیدا میکند. پس در مقابل کبر و خود برتری است نه تکبر، چرا که تکبر، نمود رفتاری کبر به شمار می آید، در حدیث جنود عقل و جهل، تواضع از یاران عقل و کبر او در مقابل آن قرار گرفته، لغتدانان آن را به معنای خفض یعنی فرورفتن و پایین رفتن دانسته اند.

۲- چرا تواضع در اخلاق اسلامی جایگاه ویژه ای دارد؟

تواضع حالت درونی است که در شناختن صحیح از جایگاه انسان در جهان ریشه دارد. که چگونگی رابطه و تعامل انسان با دیگران بر اساس میزان شکل گیری این حالت در اوست، اگر کسی به جای شناخت ابعاد حقیقی خود اسیر خود بینی و خود شیفتگی باشد، در تعامل با دیگران به جای تکریم انتظار تکریم دارد و به نداشته های خود خرسند است، و از رسیدن به بسیاری از فضایل به خاطر بی نیازی کاذبی که در او وجود دارد محروم خواهد شد، نه تنها فرد را در تعامل با دیگران دچار مشکل میکند بلکه ممکن است، به سرکشی او در برابر پروردگار نیز بینجامد، پس تواضع نوعی اصلاح بینش است که

سعادت دنیا و آخرت انسان در گرو آن است. تواضع عامل بلند مرتبگی انسان و رسیدن او به مقامات رفیع اخلاقی بر شمرده شده است. اگر ایه خواست: تلک الدار الاخره نجعلها للذین لا یریدون علوا فی الارض ولا فسادا و العاقبه للمتقین (ان سرای آخرت را برای کسانی قرار میدهم که در زمین هیچ برتری و تسلط و هیچ فسادی رانمی خواهند، و سرانجام برای پرهیز گاران است

۳- عجب و فخر را تعریف کنید و رابطه این دو را با تواضع و تکبر بیان کنید؟
عجب بزرگ انگاشتن نعمت و تکیه کردن به آن، همراه با فراموشی منعم حقیقی یعنی خداوند متعال است.

فخر فروشی یعنی مباهات کردن با چیزهایی خارج از ذات انسان مانند تفاخر اموال و اشیاء، زیبایی و جز آن، انسان متواضع خود را در مقابل دیگران برتر نمی بیند و همه چیز را از خداوند میداند و در مقابل خداوند سرکشی و غرور ندارد یعنی خود شیفتگی به غرور و فریفتگی به رفتار و نعمتها و کمالات و مباهات کردن به دیگران محدود نخواهد ماند بلکه ممکن است به برتر انگاشتن خود بر دیگران نیز منتهی شود.

انسان متکبر ضعف های ذاتی خود را نمی بیند اگر این ادامه پیدا کند به اکار حقایق هستی و در نهایت به معارضه به خداوند خواهد انجامید، آگه روایت خواست: «آفة الحسب الافتخار و العجب» آفت خاندان (شریف) داشتن، فخر فروشی و عجب است.

۴- معیارهای کلی شناخت مصادیق تواضع چیست؟ آن را بر نمونه های روایی و نیز

بر مواردی در زندگی روزمره خود تطبیق دهید.

انسان متواضع هرگز بهره انحصاری برای خود نمیخواهد، او همواره بادیگران به گونه ای

رفتار میکند که دوست دارد با او رفتار شود، بلکه حتی از بدی دیگران میگذرد و پاسخ بدی

رابانیکی میدهد ۱۷ از امام رضا علیه السلام، سوال شد معیار تواضع چیست، که اگر بنده ای

ان را انجام دهد متواضع میشود، تواضع در جاتی دارد، از جمله اینکه شخص، اندازه خویش

را بداند و با قلبی سلیم، آن را به جایگاه خود بنشانند خوش نداشته باشد که بر کسی

وارد شود، جز آنگونه که می پسندد بر او وارد شوند، اگر بدی بیند آن رابانیکویی پاسخ

دهد، خشم خویش را فرو برد و از مردم درگذرد، و خدانیکو کاران را دوست میدارد.

نمونه های روایی در کلمات معصومین علیه السلام، سلام کردن بر کودکان، اهمیت ندادن به

جایگاه نشستن در مجالس، ترک مرء و مجادله، بیزاری از مدح شدن به سبب تقوا، سلام

کردن به هر کسی که انسان با او برخورد میکند، زندگی روزمره رو خودتون بنویسید

۵- تحلیل روان شناختی صفت کبر را بیان کنید و بگویید آیا این تحلیل به این رذیله

اختصاص دارد؟

میتوان رفتار متکبرانه را تلاشی بیرونی برای اثبات برتری خود بر دیگران دانست، این

فرد درمیابد که دیگران مثل خودش به او نمینگرند

از این رو تلاش میکند ضعف درونی خود را با ابراز برتری جبران

کند و ظاهر سازی، برخلاف آنچه که شخص متکبر در صدد القای آن به دیگران است رفتار او نشانه ای از ضعف و ذلت درونی اوست،

البته این ضعف درونی تنها در بیماری کبر منحصر نیست بلکه هر رذیله اخلاقی انسان از خلئی درونی حکایت دارد، آنگاه روایت خواست، امام صادق علیه السلام فرمود: «ما من رجل تکبر او تعجب الا لذلة وجدها فی نفسه» هیچ مردی تکبر و زورگویی نمی‌کند، مگر به سبب ذلتی که در خویش یافته است.

۶- راهکار علمی و عملی اصلاح کبر و رسیدن به تواضع را شرح دهید؟

راهکار علمی، خودش و پروردگارش را بشناسد، و این کفایت میکند. اگر او خودش را انچنان که شایسته است شناخت، خواهد دانست که کبر یا بزرگی تنها لایق پروردگار است و جز تواضع، او را نشاید، اگر چنین بنده ای خدای خویش را شناخت، و دانست که در برابر عظمت او مرتکب خطاهای بسیاری شده است، و بر اثر این مستحق عذاب است ولی نمیداند خداوند از او در گذشته یانه؟ در این صورت چگونه تکبر ورزد، چه رسد که برای خودش فضل و امتیازی در نظر بگیرد اما علاج عملی، بالتزام به اخلاق متواضعان، همواره در عمل برای خدا و خلق خدا تواضع

کند، تواضع جز به عمل سامان نمی پذیرد، از این رو خداوند اعراب جاهلی را از خم شدن، حتی برای برداشتن تازیانه و اصلاح کفش هایشان اباداشتند، به نماز امر فرمود که در آن خم شوند و سر بر زمین بگذارند تا خیالات واهی و غرورشان فروریزد و تواضع در قلب

هایشان مستقر گردد.

درس دوم

۱. نصح را از منظر لغت و اصطلاح تعریف کنید.

نصح در لغت عرب به معنای خلوص است. نصح را در لغت بروز دادن رفتار یا کلامی به خیر و صلاح دیگران دانست. این واژه هنگامی که برای بیان صفات درونی به کار رود، به معنای منشی خواهد بود که مستلزم بروز رفتار یا کلامی در مسیر خیر و صلاح دیگران یا به تعبیر رایج تر خیرخواهی برای دیگران است.

۲. حسد چیست؟ آن را با غبطه مقایسه کنید.

رذیله حسد، ناپسند داشتن برخورداری دیگران و آرزوی زوال نعمت از آنان است. حال اگر انسان، بدون آرزوی زوال نعمت از دیگران، تنها تمنای به دست آوردن آن موهبت را داشته باشد، این حالت او «غبطه» نام دارد.

۳. چرا همه دین داری در خیرخواهی نهفته است؟

البته خیرخواهی برای خدا و پیامبر و کتاب خدا و دین الهی و بالاخره خیرخواهی برای مسلمان همگی برآمده از روانی سالم و جویای خیر و صلاح است. با این نگاه، خیرخواهی که همواره با صفای درون و پاکسازی نیت ملازم است، سبب رشد و تعالی فضائل اخلاقی، و نیز بالندگی مادی و معنوی جامعه اسلامی خواهد شد.

۴. آثار سوء حسادت را برایمان و رابطه با مردم و نیز بدن ، تشریح کنید.

حسد ایمان را می خورد ، آن چنان که آتش هیزم را از بین می برد چرا که حسد با برانگیختن بدگمانی به خداوند و برافروختن آتش کینه و به وجود آوردن رفتارهایی مانند غیبت ، تهمت ، بد خلقی و ... ، ایمان فرد را با سرعت و عمق بسیاری به نابودی می کشاند ؛ آن گونه که آتش ، بنایی چوبی را در خود فرو میبرد. وجود حسد در روان آدمی ، موجب از بین رفتن سلامت جسم او خواهد شد ؛ زیرا شخص حسود از نعمت های دیگران ناخشنود است و آرزوی زوال آنها را دارد ؛ در حالی که اکرام الهی به بندگان ، حد و حصر ندارد و حسود از این منظر همواره در رنج و ناراحتی خواهد بود ، آرامش ذهنی و روانی از او سلب خواهد شد و غم و ناراحتی در او جای شادی و انبساط خاطر را خواهد گرفت ، و تنی که جای غم و ناراحتی باشد خانه امراض و ناراحتی ها خواهد شد.

۵. نشانه های خیرخواه واقعی چیست؟ تدین و دینداری

امیر مؤمنان علی می فرماید : « ای بندگان خدا ، خیرخواه ترین مردم برای خودش ، مطیع ترین آنها در برابر پروردگار است. » روشن است که ناصح و خیرخواه واقعی ، کسی است که این ویژگی از درون او جوشیده باشد.

۶. راه درمان حسادت و رسیدن به خیرخواهی را در قالب بیان مثال از زندگی روزمره خود بیان کنید.

دوستان لطف کنید خودتون مثال بنزید بنده راه حل رو نوشتم

علاج علمی حسادت در این است که انسان حسود بداند که با حسادت ، تنها خود را به رنج می اندازد و نخواهد توانست نعمتی را از دیگران سلب کند.

اما راهکار عملی این است که شخص حسود مراقبت کند آثار حسادت درونی به گفتار و رفتار او وارد نگردد . وی باید همواره با مبارزه عملی با انگیزه های برآمده از حسادت ، به رفتارها و گفتارهای حاکی از محبت و خیرخواهی اقدام کند.

درس سوم

۱. عدالت و انصاف را تعریف کنید و بگویید این دو فضیلت چه نمودهایب در رفتار انسان دارد و برای هر کدام یک مصداق عینی ذکر کنید: عدالت از واژه عدل به معنای حکم کردن به حق ، تقسیم کردن مساوی یا مورد رضایت که افراد نسبت به حقشان قانع شوند در یک کلمه هر چیز را به جای خود نهادن است.

انصاف در ابتدا به معنای اعطای نصف چیز به دیگری بوده اما اکنون به معنای دادن حق به دیگران همانطور که برای گرفتن آن تلاش میکنیم. عدالت اعم از انصاف است . مصداق عدالت اجرای حدود الهی همچون قطع کردن دست دزد

مصداق دیگر عدالت رعایت انصاف در داد و ستد است (خود انصاف مصداقی از عدالت است) مصداق انصاف میتواند واقع بینی نسبت به یک مساله و ملتزم بودن به حق درجایی که انسان مقصر است ولی واقع بینانه حق را که متعلق به دیگری است به او میدهد

نمودهایب در رفتار انسان اینگونه است که چون عدالت معیار کلی همه ارزش های اخلاقی است اگر عدالت را رعایت کنیم رفتار اخلاقی بوده و رعایت نکنیم رفتار غیر اخلاقی بوده

است. با رعایت آن تعادل فرد و اجتماع در همه عرصه ها حفظ میشود. موجب سلامت و آرامش فرد و اجتماع میشود. وجود بیش عدالت و حرکت برای تحقق آن باعث پی ریزی نظام عادلانه اخلاقی در حوزه فردی و اجتماعی میشود. با رعایت انصاف هم خودگرایی از انسان دور شده همیشه حق را رعایت میکند. و موجب بهبود روابط اجتماعی میشود. باعث میشود انسان واقع بین شده همیشه ملتزم به حق باشد. از اوام و وخیالات رها شده و خود پسند نباشد.

۲. جایگاه عدالت را در ابعاد مختلف آموزه های اسلامی بیان کنید. جایگاه عدالت در ابعاد مختلف آموزه های اسلامی: هم چون قانونی عام معیار کلی همه ارزش های اخلاقی است در بعد فردی و اجتماعی تعادل را از نظر اخلاق و دیگر عرصه ها حفظ میکند و سلامت و آرامش میبخشد. عدالت فردی حوزه اخلاق و عدالت اجتماعی از فلسفه های بعثت انبیاست. در حوزه اجتماعی باعث حرکت به سمت ایجاد نظام اجتماعی عادلانه میشود. عدالت در هر ساحتی جلوه خاصی دارد که بیان کننده نحوه ارتباط انسان با آن ساحت است و باید با دقت در دستورات قرآن و سنت کشف شود.

۳. عصبیت را تعریف کنید و بگویید که آیا میتوان برای آن مصادیقی در زندگی فردی و اجتماعی امروز پیدا کرد برای هر قسم چند مثال ذکر کنید: عصبیت یعنی تلاش گفتاری یا رفتاری باطل و ناحق برای حمایت از خود یا هر چیزی است که با خود نسبتی دارد مثل نزدیکان. مصادیق آن در حوزه فردی مثل خودخواهی و دفاع از خود در جایی که ظلمی کرده. گسترده از حوزه فردی جانبداری انسان از ظلم و ناحقی خویشان و نزدیکان و فامیل. جانبداری و طرفداری از ظلم هم نژاد هم وطن. ابلیس هم با عصبیت خطای خویش را توجیه کرد.

۴. چرا تعصب با ایمان ناسازگار است: ایمان با عصبیت منافات دارد چون محدود کردن دایره نفسانیت و خودخواهی از اصول ایمان است و خلاف آن تعصب دایره خودمحوری را گسترش میدهد. طبق روایتی کسی که تعصب بورزد یا برای او تعصب بشود زمام ایمان را از گردن خود وانهاده است.

۵. راهکار دوری از عصبیت و رسیدن به انصاف و عدالت را با ذکر مصادیق عینی تشریح کنید: ۱. با عمق وجود درک کند خودگرایی از سبب های برانگیختن خشم خداست چون خودمحوری باعث پایمال شدن حقوق میشود. ۲. رها شدن از خیالاتی که مانع شناخت مصادیق انصاف و مانع عمل انسان در تحقق رفتار منصفانه میشود. ۳. بدانند همه منافی که با خودمحوری دنبال میکند از جانب خداست. طلب کردن نفع از راه باطل و ظلم به دیگران بی اعتمادی به وعده های خدا و سرکشی در برابر قدرت اوست (در روایات اثر انصاف عزت دانسته شده) ۴. تمرین عملی و اجبار نفس به ادای حقوق دیگران مثلا حقوق دیگران را به رسمیت بشناسیم و سعی در رعایت آن حقوق داشته باشیم مثل حقوق افراد خانواده بر هم حق استاد هم کلاسی آبروی افراد و...

درس چهارم

۱. احسان و گره گشایی چه تفاوت معنایی با هم دارند؟ احسان باب افعال از ماده « حسن » ، به معنای نیکویی کردن است . البته این نیکویی کردن گاه نسبت به خود و نحوه انجام دادن عمل

خود است و گاه نسبت به دیگری است که در این معنای دوم ، « انعام (نعمت دادن) بر دیگری از آن اراده میشود .

گره گشایی نیز واژه ای است فارسی که معادل دقیق عربی ندارد و به معنای یاری کردن دیگران در هنگام گرفتاری ها و مشکلات است ؛ از این رو اخص از مفهوم احسان است .

۲. احتمالاً حذفه

۳. اخوت اسلامی چه تاثیری در برانگیختن مومنان به احسان و گره گشایی دارد؟ طبق روایات یاری برادران مومن فضیلت های بسیاری دارد که میتواند باعث تشویق مومنان به احسان و گره گشایی شود. مثلاً

امام صادق (ع): هر مؤمنی که یک گرفتاری از گرفتاری های دنیا را از برادر مؤمنش برطرف سازد ، خداوند حوائج او را در دنیا و آخرت آسان سازد و تا زمانی که مؤمن در یاری برادرش است ، خداوند در یاری اوست

امام باقر (ع) فرمود : کسی که نسبت به یاری برادر مسلمانش و قیام برای او در راه حاجتش بخل ورزد ، به یاری کسی گرفتار می شود که بر این کار گناه می کند و پاداشی (هم) نمی برد .
امام صادق به فرمود : کسی که برادرش از سرنیازی ، نزدش آید و او توان بر آوردنش را داشته باشد و چنین نکند ، خداوند در قبر ، ماری براو چیره می سازد که تا قیامت ، پیوسته انگشت ابهامش را می گرد ، چه در روز قیامت آمرزیده شود و چه معذب شود .

امام کاظم(ع): آن کس که فردی از برادرانش ، او را قصد کند ، در حالی که از او نسبت به برخی احوال خود پناه او کمک می خواهد ، پس با اینکه توان دارد ، او را یاری نکند ، به درستی که ولایت خداوند تبارک و تعالی را نسبت به خود قطع کرده است

پیامبر اکرم(ص): آن که برادر مسلمانش را با کلمه ای احترام آمیز اکرام کند و گرفتاری اش را برآورد ، تا زمانی که در این کار دست دارد ، در سایه سار رفیع رحمت خدا به سر می برد.

۴. نمونه ای از روایات را ذکر کنید که بیان گر تاثیر احسان در رفع گرفتاریهای دنیا و آخرت است.

امام صادق(ع): هر مؤمنی که یک گرفتاری از گرفتاری های دنیا را از برادر مؤمنش برطرف سازد ، خداوند حوائج او را در دنیا و آخرت آسان سازد و تا زمانی که مؤمن در یاری برادرش است ، خداوند در یاری اوست.

امام کاظم(ع) به علی بن یقطين فرمود: اگر یک خصلت را برای من متعهد شوی ، من سه خصلت را برایت ضمانت میکنم . آن سه چیز که من برایت ضمانت می کنم . این است که داغی آهن کشته شدن با شمشیر) و فقرو زندان حبس هرگز به تو نرسد. علی بن یقطين پرسید: «خصلتی که من باید متعهد شوم ، چیست ؟» امام فرمود: « هرگاه دوستی از دوستان ما نزد آمد ، گرامی اش بداری (و کارش را انجام دهی)، علی بن یقطين پذیرفت . امام کاظم(ع) هم به ضمانت خود عمل کرد و علی بن یقطين نیز به فقرو حبس و کشته شدن با شمشیر گرفتار نشد.

امام صادق(ع): برآوردن حاجت مؤمن ، دیوانگی و خوره و پیسی را دفع می کند.

۵. احسان و گره گشایی چگونه سبب تحکیم همبستگی اجتماعی می شود؟

احسان و گره گشایی، از منظر جامعه شناختی آثار مطلوبی همچون بهبود وضع نیازمندان و کاهش فاصله طبقاتی، کاهش بزهکاری های برخاسته از فقر، افزایش سطح امید به زندگی و تقویت وحدت و همبستگی اجتماعی به دنبال دارد؛ زیرا همچنان که پیامبر اکرم (ص) فرموده: خداوند دل های بندگانش را بر دوست داشتن کسی که به آنان نیکی کند و بر دشمن داشتن کسی که به آنان بدی کند، سرشته است. گره گشایی سبب پیدایش محبوبیت، محبت و در پی آن، روحیه هم افزایی و همبستگی می شود؛ چیزی که حیات اجتماعی و سیاسی هر امتی به آن وابسته است.

۶. پیامدهای مادی و معنوی ترک احسان و گره گشایی چیست؟

همچنان که احسان و گره گشایی سبب رفع گرفتاری های دنیا و آخرت می شود، ترک گره گشایی و کوتاهی در این زمینه، انسان را به گرفتاری های دنیا و آخرت دچار می کند؛ امام باقر (ع): کسی که نسبت به یاری برادر مسلمانش و قیام برای او در راه حاجتش بخل ورزد، به یاری کسی گرفتار می شود که بر این کار گناه می کند و پاداشی (هم) نمی برد. امام صادق (ع): هیچ بندهای از صرف کردن درهمی بجا و در راه طاعت خدا بخل نمی ورزد، مگر اینکه دو درهم در راه نافرمانی خدا و نابجا خرج میکند. امام کاظم (ع): آن کس که فردی از برادرانش، او را قصد کند، در حالی که از او نسبت به برخی احوال خود پناه او کمک می خواهد، پس با اینکه توان دارد، او را بازی نکند، به درستی که ولایت خداوند تبارک و تعالی را نسبت به خود قطع کرده است.

امام صادق (ع) فرمود: کسی که برادرش از سرنیازی، نزدش آید و او توان بر آوردنش را داشته باشد و چنین نکند، خداوند در قبر، ماری بر او چیره می سازد که تا قیامت، پیوسته انگشت ابهامش را می گزد، چه در روز قیامت آمرزیده شود و چه معذب شود.

۷. حذف

درس ۵

۱. گستره احسان و گره گشایی شامل چه اقسام و مصادیقی می شود؟ دو قسم هست: رفع نیازهای مادی و رفع نیازهای معنوی.

هر مورد مصادیق متعددی دارد. مصادیق قسم اول: تامین خوراک، پوشاک، مسکن، ازدواج، قرض دادن پرداخت بدهی و خدمات عمومی.

مصادیق قسم دوم: عفو، گذشت از مرد، دفاع از حق ستمدیدگان، بذل مال برای ... نیازمندان، نصیحت و خیرخواهی، تشییع جنازه و

۲. سیر کردن گرسنگان و سیراب کردن تشنگان چه جایگاهی در میان مصادیق احسان دارد؟ طعام از نخستین و مهمترین نعمتها در میان نعمتهای مادیست، براین اساس شایسته است در مقام احسان و اطعام در اولویت باشد، در روایت آمده: کسی که مومن گرسنه ای را طعام دهد خداوند از میوه های بهشتی دهد و کسی که مومن تشنه را سیراب کند از رحیق مختوم به او دهد. همچنین اطعام اهل ایمان هم سنگ آزاد کردن بردگان است.

آب نیز یکی از حیاتی ترین نیازهای موجود زنده است، در روایت آمده: نخستین چیزی که در آخرت بدان آغاز میشود، یعنی در اجر، صدقه آب است. همچنین از صدقات بسیار ارزشمند صدقه آب است که میتواند موجب نجات انسان شود.

۳. آیا اهدای لباسهای دست دوم به نیازمندان کاری ارزشمند است یا باید لباسهای نو را به آنان بخشید؟ بله ارزشمند است، میتوان با اهدای لباسهای قابل استفاده خود به نیازمندان گامی در جهت رفع نیاز آنان برداشت. (پیامبر اکرم (ص) هرگاه لباس نو می پوشید، لباس کهنه اش را به مسکینی می بخشید.)

۴. در مورد مشکل بدهی بدهکاران به چه شیوه هایی میتوان به یاری آنان شتافت؟ در این زمینه میتوان با پرداخت بدهی آنان، تخفیف دادن در آن، مهلت دادن به بدهکار یا بخشش بدهی به یاری آنان شتافت.

درس ششم

۱. معنا و مفهوم دقیق مواسات چیست؟ ۱- مواسات مصدر باب مفاعله از ریشه (اسو) است به معنای همانندی و برابری است در اصل لغوی به معنای رفتار عادلانه و برابر است بنابراین مواسات و مساوات در اصطلاح به معنای مشارکت دادن برادران دینی با خود در معاش و روزی است که نتیجه مواسات به معنای ریشه لغوی است چراکه وقتی انسان برادران دینی را با خود برابر نهاد آنان را در مال و جان خود شریک می سازد و جانان آنان را همچون جان خویشان می داد.

۲- مواسات به کدام بخش از نیازهای برادران ایمانی تعلق میگیرد؟

مواسات در جایی مطرح می شود که طرف مواسات شونده نیاز داشته باشد متعلق مواسات نیز نیازهای ضروری مومن مثل خوراک، پوشاک، مسکن، ازدواج، پرداخت بدهی و رفع گرفتاری هاست

۳- ایثار به چه معناست و چه نسبتی با مفهوم مواسات دارد؟

ایثار در لغت به معنای برتری دادن چیزی بر چیز دیگر است ایثار در اصطلاح علم اخلاق بر نوع خاصی از برتری دادن یک چیز بر چیز دیگر یعنی (بخشش چیزی که خود بدان احتیاج داری به دیگر محتاجان) به کار می رود ایثار در مقابل استثار قرار دارد که به معنای اختصاص دادن چیزی به خود و خود خواهی نسبت به آن است. ایثار فراتر از مواسات است چون ایثار در جایی است که برادرت را بر خودت ترجیح بدهی .

۴- ایثار در لسان قرآن کریم و روایات چگونه ستایش شده؟ پاسخ صفحه ۶۶، ۶۷، ۶۸

۵- تعاون به چه معناست و چه اقسامی دارد؟ تعاون مصدر باب تفاعل از ماده (عون) به معنای کمک و یاری و به معنای یاری متقابل و دوسویه یا همیاری و همکاری است. تعاون شامل هر نوع همیاری اعم از همیاری مادی در اموری مثل صدقه، هبه و عاریه، و همیاری بدنی با صرف نیروی بدنی و همیاری معنوی، اعم از همیاری زبانی و قلبی است.

۶- رهاوردهای دنیوی و اخروی تعاون بر نیکوکاری و تقوا چیست؟

تعاون در کارهای خیر به شیوه های متعددی امکانپذیر است. برای مثال مفهوم توأسی به حق (

توصیه کردن یکدیگر به حق) و توأسی به صبر که در سوره مبارکه عصر آمده است نمونه ای از تعاون به نیکوکاری و پرهیزکاری است که سبب می شود جامعه ایمانی در مدار حق گرایی و استقامت در برابر مشکلات قرار می گیرد. گفتنی است بی تفاوتی نسبت به دیگران از مفاهیمی است که در برابر مواسات و ایثار و تعاون قرار دارد و متأسفانه امروزه به سبب رواج سبک زندگی غربی بلای بی تفاوتی تا حدود زیادی دامنگیر جوامع اسلامی نیز شده است و با ترویج مفاهیم دینی باید با آن مقابله کرد. کسانی که در این دنیا در نیکوکاری و پرهیزکاری همکاری می کنند در قیامت نیز دوستدار یکدیگرند ولی کسانی که در دنیا معاصی از آنان سر می زد و بر ظلم و دشمنی همکاری می کردند در آنجا یکدیگر را لعنت می کنند و از یکدیگر می گریزند. قرآن کریم مومنان را به تعاون بر نیکوکاری و تقوا و پرهیز از تعاون در گناه و دشمنی دعوت می کند. یکی از مهمترین آثار اجتماعی تعاون بر بر و تقوا تحکیم وحدت و همبستگی اجتماعی است.

درس هفتم

۱. ظن را در لغت و اصطلاح اخلاق تعریف کنید .

۲. حسن ظن و سوء ظن را از منظر دانش اخلاق اسلامی تشریح کنید .

ظن را در فارسی غالباً با واژه گمان هم معنا می دانند که به معنای طرف راجح از دو طرف اعتقاد غیر جازم است

همین معنا در عربی هم به عنوان اصل در ریشه ظن دیده شده یعنی حالتی شناختی در انسان که از قرائن غیر اطمینان آور حاصل شده است که این اعتقاد اگر تقویت شود به علم و یقین می انجامد و اگر تضعیف شود از حد توهم فراتر نمی رود اما تفاوت این واژه با معادل فارسی اش

این است که اگر با ابزار زبانی دال بر قطعیت مانند «ان» به کار رود به معنای گمان تقویت شده ای است که گرچه یقینی نیست و جای علم را نمی گیرد در حکم رسیدن به علم و یقین استعمال میشود.

بنابراین خطور لحظه ای یک احتمال در ذهن به معنای اعتقاد داشتن به آن نیست و از این رو ظن و گمان محسوب نمی شود به همین دلیل در دانش اخلاق گمانی مورد بررسی قرار می گیرد که در نفس جاگیر شده باشد و میل نفس به آن سبب جهت دهی به رفتار و منش های انسان گردد مثلاً محبت انسان را نسبت به دیگران تحت تاثیر قرار دهد و در رفتار بر صمیمیت میان افراد و چگونگی معاشرت با دیگران تاثیر بگذارد.

بر این اساس حسن ظن نیز هنگامی است که آدمی نسبت به خداوند و دیگران همواره بر این اعتقاد باشد که آنان به احتمال زیاد رفتاری بر اساس خیر و مصلحت خواهند داشت و بر اساس همین خوشبینی رفتار و ذهنیت های خود را ترسیم کند.

در مقابل سوء ظن و بدگمانی به این معناست که فرد همواره با بدبینی رفتار دیگران را به دور از خیر و مصلحت ارزیابی کند.

۳. آیا حسن ظن به دیگران به معنای اعتماد کردن کامل به آنان در همه امور زندگی است؟ اگر پاسخ منفی است شرح دهید که چرا اعتماد نکردن کامل به دیگران در امور مهم زندگی سوء ظن نیست.

جایی که قرائن اطمینان بخش بر قابل اطمینان بودن کسی دلالت می کند، خوش گمانی امری پسندیده نیست و در جایی که هیچ دلیلی بر بد کاری فردی یافت نمی شود یا قرائنی بر خیرخواهی افراد وجود دارد سوء ظن کاری پسندیده نخواهد بود. از این رو از امیرمومنان روایت شده که فرمود: «هر کس خودش را در معرض تهمت قرار دهد نمیتواند سوء ظن برندگان «به خود را ملامت کند

زیرا آنان بر اساس قرائن اطمینان آوری که بر گمان خود یافته اند سزاوار ملامت نیستند . از سوی دیگر اعتماد به همه افراد بالاخص در مواردی که خطری جان و مال و آبروی انسان را در معرض تهدید قرار می دهد نوعی ناپختگی و خروج از دایره احتیاط است و نباید به انگیزه حسن ظن به دیگران هر فرد آزموده نشده ای را بر اسرار زندگی و امور شخصی خود مسلط کنیم چرا که اطمینان کردن به چنین افرادی در امور مهم برآمده از آینده نگری و آمادگی مقابله با حوادث پیش بینی نشده و اقتضای عقل دور اندیش است.

۴. جایگاه خوش گمانی در اصلاح روابط اجتماعی را تبیین کنید.

گرچه ظن و گمان خصوصیتی درونی است به قدری در ساماندهی رفتار اجتماعی ارزش و اهمیت دارد که خداوند در قرآن تحقق برخی از گمان ها را در نفس آدمی مصداق گناه و معصیت دانسته است «ای اهل ایمان از بسیاری از گمان ها در حق مردم بپرهیزید زیرا برخی از گمان ها گناه است.

برخی از مفسران این احتمال را مردود ندانسته اند که امر به اجتناب از بسیاری از گمان ها حکمی احتیاطی برای در امان ماندن از ظنونی است که گناه اند این نکته میزان اهمیت دوری از بد گمانی را نشان می دهد.

قران بر لزوم حسن ظن تاکید کرده و مومنان را در زمانی که با تهمت بزرگ نسبت به دیگر مومنان روبه‌رو می‌شوند بازخواست کرده است که چرا به یکدیگر حسن ظن نداشتند و شایعاتی را که از جانب منافقان القا شده بود رد نکردند. بنابراین باید به دیگران خوش گمان باشیم حتی زمانی که روابط میان مومنان به سبب القائنات شیطانی و بی‌اساس در معرض تزلزل قرار گرفته باشد بدگمانی به دیگران در بسیاری موارد نقطه آغاز رذایلی همچون کینه و عداوت و رفتارهای ناروایی چون غیبت، تهمت، نامی و دیگر رذائل اجتماعی است.

از این رو ناروا نیست اگر حسن ظن دیگران را از اساس و پایه اصلاح رفتارهای اجتماعی بدانیم چرا که بدون این عنصر درونی ذهنیت‌های مردم اصلاح نخواهد شد و بدون اصلاح نگرش‌های باطنی ساماندهی تعاملات اجتماعی به نتیجه نخواهد رسید.

۵. راهکارهای علمی و عملی اصلاح سوءظن و رسیدن به خوش گمانی را تشریح کنید.

برای اینکه سوءظن در وجود انسان ریشه ندهد باید از ابتدای تحقیقش در ذهن با آن به مقابله پرداخت با افکار منفی و ناامیدکننده در ذهن مبارزه کرد و آنها را پیگیری نمود و بر اساس آن رفتار نکرد.

در بعد اصلاح بینش نیز نوعی واقع‌بینی می‌تواند ما را از منفی‌بافی نجات دهد به این صورت که به کسانی که درباره آنها دچار سوءظن شده‌ایم بیندیشیم و به رفتارهای مثبت و روابط احترام‌آمیز میان خود و آنها فکر کنیم و اجازه ندهیم بدبینی سبب گردد حسن افراد در نظر ما ندیده گرفته شود خود را جای آنان بگذاریم و بی‌طرفانه درباره آنها قضاوت کنیم و در نهایت همیشه تلاش کنیم رفتار برادر یا خواهر ایمانی خود را بر بهترین وجه حمل کنیم.

در بهبود رفتار و عملکرد نیز همواره سعی کنیم در تعامل به رگم دوراندیشی و آینده نگری تحت تأثیر ذهنیات ناپسند با دیگران رفتار نکنیم و همواره بر خلاف سوءظن به کارهایی مبادرت کنیم که نشانی از خوش گمانی و اعتماد به دیگران را در خود دارد و برای آنها دعا کنیم، صدقه بدهیم و در موقعیت های مختلف عیوب آنها را به رخشان نکشیم. این درمان عملی مستلزم پرهیز از عجله در رفتار و تصمیم گیری است چرا که یکی از بزنگاه هایی که سوءظن مجال ورود به عرصه رفتار و رسوخ در نهاد انسان را پیدا می کند جایی است که فردی شتاب زده بر اساس ارزیابی اولیه خویش رفتار می کند.

۶. چه ارتباطی میان همنشین و چگونگی گمان انسان به دیگران وجود دارد؟

اسباب پیدایش سوءظن در آدمی همنشینی با بدکاران است انتخاب دوستان و همنشینان بی تقوا و لاابالی سبب می شود برداشت انسان از رابطه با دیگران آسیب بیند انسان بر اثر ظلم ها و ضربه های روانی که از همنشین بد متحمل می شود نسبت به افراد خوش طینت و راست کردار نیز بدبین می گردد در مقابل همنشینی با اهل تقوا و ایمان تجربه شیرین یک رابطه محبت آمیز را به انسان می کشاند و حس مثبت نگری به مومنان را در او زنده می کند.

درس هشتم

۱. عفاف را در لغت و اصطلاح تعریف کنید؟

لغت: عفت اصطلاح حصول حالتی برای نفس که به سبب آن از غلبه شهوت خود داری میکند. (اعم از شهوت جنسی، شهوت شکم، ثروت، مقام، فرزند و...)

۲. سه راهکار تحقق عفاف را بیان کنید.

۱. حفظ و تقویت مبادی تکوینی و فطری عفاف (حیا_ غیرت)

۲. مراقبت از فکر و خیال

امام علی ع: کسی که فکرش در معاصی فراوان شود، گناهان او را به سوی خود می خوانند. در نتیجه باید با تلاش بر خودسازی راه خطورات بد به ذهن را بست.

۳. مراقبت های دیداری

خدا ما را از نعمت دیدن برخوردار ساخته. حال سزای نعمت خدا آن است که، آن را در جهت طاعت خدا و نگه داشتن از معاصی بکار بیندیم.

در مذمت چشم چرانی روایت داریم

نگاه پس از نگاه، شهوت را در دل می کارد و همان برای فتنه صاحبش بس است.

۴. مراقبت های پوششی و آرایشی

پرهیز از تبرج (احزاب ۳۳: و لا تبرجن الجاهلیه...)

پوشاندن زینت ها

و پرهیز از لباس های تنگ و کوتاه و نازک، یا یادارای رنگ های زننده از جمله این مراقبت هاست.

مثلا پوششی که دارای رنگ زننده است باعث جلب توجه نامحرمان میشود

از امام صادق نیز روایت داریم: هنگامی که به عیادت برادر دینی ات می روی لباس رنگین تند
نپوش

۳. حرمت روابط دوستانه دختر و پسر قبل از ازدواج از کدام آیه قرآن برداشت میشود؟

مُحْصَنَاتٍ غَيْرِ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ

زنان پاکدامن باشند و بدکار نباشند، و نه دوست پنهانی بگیرند.

۵. تدابیر تکوینی خدا برای حفظ عفاف انسان چیست؟

خداوند با قرار دادن برخی امور تکوینی (قرار دادن حیا در زن و مرد و غیرت در مرد) و فطری
به حفظ عفاف در فرد و همچنین در جامعه کمک کرده است.

درس نهم

۱. در میان مراقبتهای گفتاری و شنیداری کدام یک از موارد میان زنان مردان مشترک است
و کدام یک از آنها مخصوص زنان است؟

جواب: موارد مشترک میان زن و مرد

۱. نهی از همدمی وهم نشینی با نامحرم

۲. ترک گفت و شنود غیر ضرور با نامحرم

۳. ترک شوخی با نامحرم

مورد مخصوص زنان

پرهیز از ناز و کرشمه در گفتار و انتخاب محتوای پسندیده

سوال ۲ گفته تحقیق کنید که به نظر م حذف

۳. هنگام خروج زن از خانه و حضور در اجتماع چه چیزهایی سبب جلب توجه نامحرمان میشود

که او باید از آنها پرهیزد؟

جواب: ۱_ مراقبت های گفتاری و شنیداری: ۱- نهی از همدمی وهم نشینی با نامحرم ۲- ترک گفت

و شنود غیر ضرور با نامحرم ۳- ترک شوخی با نامحرم ۴- پرهیز از ناز و کرشمه در گفتار و انتخاب

محتوای پسندیده

۲. مراقبتهای های بویایی: زنان در هنگام خروج از منزل باید از زدن عطری که توجه نامحرم را به

خود جلب میکند پرهیزند

مراقبت های پوششی و آرایشی: ۱- پرهیز از تبرج و خودنمایی ۲- پوشاندن زینت ها ۳- پرهیز از ۳

لباسهای کوتاه، تنگ و نازک ۴- پرهیز از پوشیدن رنگهای زننده

۳. مراقبتهای لمسی: پرهیز از دست دادن با نامحرم

۴. مراقبت های محیطی: ۱- پیشگیری از اختلاط زنان و مردان بیگانه ۲- اجتناب از خلوت کردن زن

و مرد بیگانه ۳- پوشاندن روابط زناشویی

۵. حفظ و تقویت عبادی تکوینی و فطری عفاف: حیا و غیرت

۶. مراقبت از فکر و خیال

۷. مراقبت دیداری

۴. مراقبتهای محیطی عفاف شامل چه مواردی است؟

جواب: ۱_ پیشگیری از اختلاط زنان و مردان بیگانه

۲. اجتناب از خلوت کردن زن و مرد بیگانه

۳. پوشاندن روابط زناشویی

۵. خلوت زن و مرد نامحرم به چگونه محیطی گفته میشود؟ و تفاوت خلوت و اختلاط بانامحرم

چيست؟

جواب: در خلوت فقط یک زن و یک مرد بیگانه دور از دیدگان ناظران بیرونی، حضور دارند، ولی

در اختلاط، زن در جایی حضور می یابد که محل اجتماع مردان بیگانه است

۶. اسلام چه راهکارهایی برای پیشگیری از اختلاط زن و مرد پیشنهاد کرده است؟

جواب: ۱- تفکیک جنسیتی و وضع قوانینی برای عبور و مرور جداگانه مردان و زنان ۲- رسول خدا برای اینکه برخورد و اصطکاکی میان زنان و مردان در کوچه و بازار رخ ندهد، دستور داد که زنان از وسط جاده راه نروند؛ بلکه از کنار بروند؛ ۳- اسلام، در عین دادن اجازه حضور در مسجد به زنان، از اختلاط آنان با مردان نهی کرده و جایگاه عبادت و رفت و آمد آنان را از یکدیگر جدا کرده است ۴- همچنین مردان را از فرستادن زنان خود به مکان های شلوغ باز داشته

۷. ازدواج چه تاثیری در حفظ عفاف اجتماعی دارد؟

جواب: ازدواج یکی از مهمترین راهکارهای پیشگیری از بی بندوباری و گسترش عفاف در جامعه است. رسول خدا فرمود: هر که ازدواج کند نیمی از دین خود را در حرز نهاده است. و در حدیث دیگر آمده است: پس باید در نیمه دیگر از خدا پروا کند

حرزه معنای دژ یا صندوقچه ای است که چیزها را به دور از دسترس دیگران در آن نگه می دارند تا گم یا تلف نشود و احراز از همین ماده و به معنای در حرز نهادن است. در این روایت پیوند بسیار نزدیکی بین ازدواج و حفظ دین ترسیم شده؛ چرا که گزینه جنسی زمینه بسیاری از گناهان را فراهم میکند و با ازدواج به شکل طبیعی تمایل به آن گناهان کاهش می یابد.

سوال ۸ هم حذف

درس دهم

۱: شجاعت و تهور را تعریف کنید.

شجاعت، استحکام قلب در هنگام جنگ و سختی است. شجاعت به توانایی نفس برای - بدست آوردن آنچه سزاوار است انسان داشته باشد. در برابر جبن و ترس که به حالت ضعف نفس از آنچه سزاوار است بر آن توانایی داشته باشد میگویند. اگر شجاعت با تدبیر همراه نباشد و خردمندانه صورت نگیرد به صورتی افراطی محقق میشود که به آن تهور گویند چنانچه امام حسن (ع) میفرماید: برای شجاعت اندازه‌ای است که اگر بر آن زیاد شود تهور و بی باکی خواهد بود.

۲: شجاعت به چه مواردی اطلاق میشود؟

بر اساس روایات و سخنان ائمه شجاعت عبارت است از، شجاع‌ترین مردم سخاوتمندترین - آنهاست - شجاع‌ترین مردم کسی است که بر جهل مردم با حلم و بردباری غلبه کند - شجاعت، موافقت با هم‌تای خود در غیر معصیت الهی و صبر هنگام سرزنش است - برخورد با دشمن - مقابله با هوای نفس.

۳: اهمیت شجاعت در روایات را با ذکر مفهوم یک روایت بیان کنید.

شجاعت در برخی تقسیم‌بندی‌های کتب اخلاقی آن قدر اهمیت دارد که یکی از چهار جنس - فضایل اخلاقی است. از امیر المومنین نقل شده: الشجاعة عز حاضر - عزتی نقد است. هر چند شجاعت در مواردی مثل جنگ و ابراز حق اهمیت فراوانی دارد ولی در منطق اهل بیت مفهومی عام‌تر دارد. شجاعت در حقیقت قدرت غلبه بر ترس‌های موهومی است که انسان را از عمل کردن به حکم شرع و عقل دور کند. ترس از دست داد مواهب مادی و کم شدن ثروت، از

دست دادن محبوبیت های کاذب باعث میشود که انسان از عمل به وظیفه سریال زند. البته رفتار عاقلانه و براساس تکلیف گونه ای از شجاعت است.

۴: برای آراستگی به شجاعت، حداقل دو راهکاری را که با توجه به منشأ ترس، در روایات ارائه شده، بیات کنید.

اجتناب از سوء ظن به خدا: برای یافتن راهکار رهایی از جبن و آراستگی به شجاعت، ۱ - توجه به این ریشه اهمیت دارد. امیر المومنین میفرمایند: همانا بخل و ترس و حرص سرشت هایی جدای از هم اند که جمع کننده آنها در انسان سوءظن به خداست. ترس ابراز حق و دفاع از آن یا ترس آینده شغلی و تحصیلی و نگرانیهایی که دنبال آن بر انسان عارض میشود بر اثر نداشتن اعتماد حقیقی به قدرت الهی و مبدا فیض هستی است.

خود را در معرض کار قرار دادن: بسیاری از ترس ها بی اساس هستند که با توکل به خدا ۲ - خود را در معرض ان کار قرار دادن حل میشود. امام علی (ع) میفرمایند: وقتی از چیزی ترسیدی خود را در آن انداز، زیرا شدت حذر کردن از آنچه از آن می ترسی بزرگتر است. این امر باید به همراه محاسبه عقلانی است.

۵: چرا نباید با افراد ترسو مشورت کرد؟

انسان ترسو تنها خودش از اقدام در امور لازم و موجب کمال نفس احساس ضعف میکند - بلکه دیگران را نیز از اقدام باز میدارد. امام علی (ع) میفرمایند: در مشورت انسان ترسو را شریک مکن، چون تو را از اقدام به کار ضعیف میکند و آنچه را بزرگ نیست، برایت بزرگ جلوه می دهد.

۱. حلم، غضب و کظم غیظ را در لغت و اصطلاح تعریف کنید.

غضب در لغت به معنای شدید شدن نارضایتی سرخی شدید و برانگیختن خون قلب به جهت اراده انتقام گرفتن است و در اصطلاح به معنای قوت و شدت نارضایتی است که با نمودهایی در بدن نظیر برنگی قند خون قلب سرخ شدن در ظاهر او همراه است.

غیظ در لغت به معنای غزل شدیدتر و حرارتی از جوشش خون قلب و غزل شدید است که بر انسان عارض می شود و کظم غیظ به معنای فرو کردن خشم است.

حلم در لغت به معنای درنگ کردن و ترک عجله از است و در اصطلاح به معنای فرو بردن خشم و در اختیار داشتن نفس است.

۲. جایگاه و اهمیت حلم و غضب را در نظام اخلاق اسلامی بیان کنید.

در مورد جایگاه حلم همین بس که خداوند به پیامبرانش را به این صفت ستوده است و امام علی نیز فرموده اند هر مقدار از عقل انسان بیشتر باشد علم انسان نیز بیشتر است ضمن آنکه حلم آثار زیادی از جمله یاری کردن مردم، پیروزی بر دشمن و مامون بودن از غضب الهی دارد و برای بندگی خدا نیز موثر است طوری که امام رضا فرمودند انسان عابد نخواهد بود مگر این که بردبار باشد.

در مقابل غضب نکوهش شده است و به نوعی جنون تعریف شده است که صاحبش پشیمان می شود و اگر پشیمان نشود جنونش پابرجا می ماند و آثار و کلید هر بدی است و آثار متفاوتی از جمله حرارت بدن، گفتن سخنان زشت، حمله کردن به مردم فاسد کردن ایمان و... دارد مگر غلظت برای خدا و دفاع از حق.

۳. بین حلم و عقل، و حلم و بندگی چه رابطه ای وجود دارد؟

رابطه حلم با عقل به این صورت است که هرچه عقل بیشتر باشد علم انسان نیز بیشتر است و تمام عقل حلم است به گفته امام علی علیه السلام و رابطه ویژه ای بین بندگی خدا و حلم هنگام برخورد های ناگوار مردم امام رضا ترسیم کردند: انسان عابد نخواهد بود مگر این که بردبار باشد

۴. آثار مثبت حلم و آثار منفی غضب را نام ببرید.

آثار مثبت حلم عبارت است از یاری کردن مردم، پیروزی بر دشمن، و مامون بودن از غضب الهی

غضب گاهی آثار منفی جسمانی همچون بالا رفتن فشار خون، حرارت بدن و فراهم آمدن زمینه ای مرگ ناگهانی انسان را به دنبال دارد و آثاری همچون دشنام دادن آشکار کردن بدی مسلمانان و شماتت آنها فاش کردن اسرار، حمله کردن به مردم، کشتن و مجروح کردن، ایجاد ناراحتی، رنجاندن دل به واسطه کینه، دشمنی دوستان، شماتت دشمنان، دگرگونی مزاج، مکافات در دنیا و در آخرت و ایمان را فاسد میکند.

۵. با استفاده از روایات سه راهکار برای مقابله با خشم بیان کنید.

مهار خشم با آب. پیامبر: هرگاه یکی از شما خشمگین شد با آب سرد بزرگ گیرد زیرا غضب از آتش است.

سکوت. امام علی: غضب را با سکوت مداوا کنید.

به بردباری زدن. امام علی: اگر بردبار نیستی خود را به بردباری بزن زیرا کم پیش می آید کسی به گروهی تشبه بورزد و به تدریج از ایشان نشود.

۶. برای مقابله با ریشه‌های خشم از چه رذایلی باید دوری کرد؟

برای رهایی از خشم باید با صفات ناپسندی چون لجاجت، تکبر، خودپسندی و شوخی بی مورد که از عوامل بروز خشم اند مقابله کرد.

۷. نمونه هایی از تأثیر عوامل جسمانی و تغذیه را بر خشم بنویسید.

برخی از مراقبت های بدنی مانند رفع برخی بیماری ها، خواب کافی، پرهیز از کار بیش از توان معمول و استفاده از برخی مواد غذایی و برنامه صحیح تغذیه نیز می توانند در جلوگیری یا کاهش خشم موثر باشد مثلاً امیرالمومنین فرمودند گوشت بخورید زیرا گوشت می رویاند و کسی که ۴۰ روز خوردن گوشت را ترک کند بد اخلاق می شود.

۸. با استفاده از روایت "عقوبه الغضوب و الحقود و الحسود تبدا بانفسهم" بگویید چه عوارض جسمی و روحی برای فرد خشمناک ممکن است پدید آید؟

این رذیله های اخلاقی آثار شرا ابتدا بر روی روان و جسم خود این شخص می گذارد مثلاً دچار حرارت بدن فشار خون بالا تغییر مزاج تعلم بیماری فراهم آمدن ناگهانی مرگ آثار روانی مانند دشمنی دوستان دوست اما دشمنان دارد.

درس دوازدهم

۱. جایگاه و اهمیت نرم خوئی را بیان کنید.

۱) یکی از عرصه هایی که نرم خوئی در آن اهمیت زیادی دارد ترویج دین است (نرم خوئی پیامبر اکرم و حضرت موسی در تبلیغ دین که خدا به آنها امر کرده بود نرم خو باشند

۲) نرم خوئی در مشاوره دادن هم اهمیت دارد.

۳) نرم خوئی در اخلاق اسلامی نه به عنوان ابزاری برای رسیدن مقاصد، بلکه از جمله صفات ارزشمندی است که زینت متقین و موجب آراستگی صالحان است (محبت و نرم خوئی پیامبر اکرم و ائمه در مواجهه با دیگران)

۴) از دیگر آثار نرم خوئی کرامت و عزت انسانی است و چنین روحیه ای انسان را نزد دیگران محبوب میکند.

۲. چرا در تبلیغ دین و مشاوره نرم خوئی شرط لازم است و بدون این صفت چه پیامد هایی ممکن است بوجود آید؟

رسول گرامی دارای صفت نرم خوئی بود و خدا یکی از رموز موفقیت آن حضرت را در تبلیغ دین همین نکته را دانسته و به صراحت بیان کرده که اگر تند خو بودی مردم به تو گرایش پیدا نمی‌کردند و همچنین به حضرت موسی هم وقتی ماموریت یافت که بسوی فرعون برود فرمود پس با او با سخنی نرم صحبت کنید باشد که بیدار شود یا از خدا بترسد.

امام سجاد هم در امر مشاوره فرمودند این مشاوره تو باید توأم با مهربانی و ملایمت باشد زیرا نرمی و ملایمت دلتنگی را می‌زداید و تندی و خشونت آرامش را به خطر می‌اندازد.

۳. نرم خوئی صحیح از منظر اهل بیت چیست؟

نرم خوئی یکی از ارزش های اخلاقی است و در آیات و روایات غالباً با واژه (لین) از آن یاد شده ، لین در لغت به معنای ضد خشونت است.

نرم خوئی به معنای ضعف نشان دادن در جایی که قاطعیت نیاز است نمیباشد امیر المومنین مغایرت نرم خوئی و ضعف را اینگونه بیان کردند: نرم خوی ولی بدون ضعف باش، و قاطع و جدی، بدون خشونت باش.

عقیل بن ابی طالب به معاویه گفت: معاویه ،. همانا در ما نرم خوئی بدون ضعف و عزت بدون خشونت است.

ممکن است کسی بپندارد که انسان با نرم خویی عزت نیابد و چنین برخوردی موجب خواری اوست اما امام صادق تندخویی را موجب ذلت و نرم خویی را موجب کرامت انسان برمی شمرد.

سوال ۵: چه راهکارهایی برای رهایی از لجاجت می توان ارائه کرد؟

راههای مهم درمان لجاجت (۱) رهایی از خودپسندی و هویت و شخصیت دادن به افراد به ویژه کودکان است.

(۲) پرهیز از اموری چون افراط در ملامت و سرزنش

که این نکته اخیر در تربیت کودکان بسیار اهمیت دارد چون گاهی تنبیه و سرزنش مدیریت نشده و غیر ضرور، روحیه لجاجت را در کودک تقویت میکند. به طور کلی هر تحمیل غیر منطقی و ناخوشایند، اسباب بروز مقاومت های رفتاری و لجاجت را در کودکان فراهم می کند.

۴. اهمیت دوری از لجاجت را توضیح دهید.

جواب: (۱) دوری از لجاجت از آن رو اهمیت دارد که شخص لجوج مانند انسان خشمگین، تدبیر و اندیشه لازم را بکار نمیگیرد و لجاجت اندیشه را از او میگیرد.

(۲) ثمره اقدام شخص لجوج غالباً پشیمانی است.

(۳) لجاجت به لحاظ ابعاد تاثیر می تواند چون بذر بدی ها باشد و کینه ها و اختلافات و رنجش خاطر در خانواده ها و دوستان از ثمرات آنست.

۴) فرد لجوج نه تنها به دیگران آسیب می زند بلکه مشکلاتی را برای زندگی خانوادگی و سلامت جسمی خود پدید می آورد.

درس سیزدهم

۱. عفو و صفا به چه معناست و چه نسبتی میان آنان میباشد؟

عفو = رها کردن شخصی که سزاوار مجازات است. گذشت - بخشش

عفو در قران = گذشتن از حقوق ۱- جزایی ۲- مالی ۳- معنوی

صفا = ترک سرزنش ← □ علاوه بر ترک مجازات سرزنش زبانی هم نکند

نسبت عفو و صفا ← □ ۱- مفهوم وابسته به عفو (مرادف)

۲. بلیغ تر از عفو (درجه بالاتر از عفو)

۲. فضیلتو آثار عفو را از منظره قران و روایات بیان کنید؟

۱. پیامبر (ص): ایا شما را از بهترین اخلاق های دنیا و آخرت آگاه کنم؟

۱. عفو کسی که به تو ستم کرده

۲. پیوستن به کسی که از تو بریده

۳. نیکی کردن به کسی که به تو بدی کرده

۴. بخشیدن کسی که تو را محروم کرده

۲. ابراز کار آمد در تبلیغ دین

سوره اعراف ایه ۱۹۹

(خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ)

۳. خصلت عفو در مقام تبلیغ دین چه کار هایی دارد؟

از نکات کلیدی در آثار و کارکردهای عفو، نقش عفو در تبلیغ دین و تربیت انسان ها است که خداوند متعال رسول خدا را به عفو و پیشگیفرمان داده و امام رضا (ع) با تمسک به ایه ۱۹۹ اعراف میگویند که این صفت پیامبران است بنابراین مبلغان دین برای موفقیت در تبلیغ دین ، باید به صفت عفو و صفح اراسته شوند و در این زمینه این زمینه به پیامبر تاسی کنند چرا که در جامعه تمام انسان هایکی نیستند ادم های جاهل و کوته فکر هم وجود دارد که با عفو و بخشیدنشان میتوانیم به مرور زمان هدایشان کنیم و آنان که هدایت نمیشوند را رسوا کنید

۴. عفو در هنگام قدرت به چه معناست و چرا در معارف دینی این همه بر آن تاکید میکنند؟

ممکن است عفو در اوضاع و احوال گوناگونی از انسان صادر شود ولی ارزشمند ترین نوع عفو به ظالم باشد امام صادق (ع) و گذشت ان است که هنگام قدرت و اقتدار و دست یافتن میفرمایند که نشانه مومبرخورداری از خصلت عفو است که نمونه های کامل جامعی در طول

تاریخ اسلام اتفاق افتاده به یکی از اتفاق های ففتح مکه توسط پیامبر بود که بهد از سالیان زیار
ظلم ستم به پیامبر و مسلمانان که پیامبر انان رابخشید

درس چهاردهم

۱. عذرخواهی را تعریف کنید و بگویید نسبت توبه و عذرخواهی چیست؟

عذرخواهی تلاشی هست با ابزار کلام برای اصلاح آنچه از انسان ناپسند دانسته می شود
عذرخواهی در سه قالب بروز می کند انکار رفتار ناپسند توجیه آن یا پذیرش آن رفتار و وعده
عدم تکرار آن این مورد آخر همان توبه است بنابراین هر توبه عذرخواهی از ولی هر
عذرخواهی توبه نیست.

۲. جایگاه و اهمیت عذرخواهی در آموزه های اسلامی را تبیین کنید و بگویید مراد از جایگاه
ثانویه عذرخواهی چیست؟

عذرخواهی و پوزش طلبی جایگاه بسیار مهمی در اسلام دارد و این به معنای تجویز خطا و گناه
نیست بلکه همواره اصل اولی پرهیز از هرگونه اشتباهی است که انسان برای اصلاح آن مجبور
به پوزش خواهی باشد و اصل دوم عذرخواهی است.

۳. شرایط عذرخواهی صادقانه را تشریح کنید.

عذرخواهی صادقانه آن است که از روی حسن نیت باشد و همراه پشیمانی و تعهد به عدم تکرار رفتار خطا باشد در آن از ادله واقعی و قانع کننده استفاده شود و به هنگام باشد.

۴. راهکار نهادینه سازی عذرخواهی چیست؟

باید پس از دانستن فوائد عذرخواهی و پذیرش عذر با موانع موجود در درون انسان که سبب ایجاد مقاومت در برابر اراده بر عذرخواهی می گردد مبارزه کرد مثل کبر و خود بینی و ذهنیت های برآمده از آن

و باید بدانیم که عذرخواهی تلاش برای بهبود وجه انسان و جبران خطاهای گذشته است.

۵. مسئولیت پذیری را تعریف کنید؟ مسئولیت پذیری پذیرش درونی تکالیف و پاسخگو دانستن خود در برابر وظایف و به عهده گرفتن کاستی های عمل و جبران آنهاست.

۶. مسئولیت پذیری در اسلام چه جایگاهی دارد و دایره شمول آن بر اساس تعالیم اسلامی چیست؟

بر اساس معارف اسلامی انسان موجودی مختار است و همواره باید در جایگاه پاسخگو قرار داشته باشد این ویژگی مسئولیت پذیری انسان در قیامت به نهایت بروز و ظهور می رسد انسان در وهله اول به درگاه الهی پاسخ گو است و مسئولیت در قبال دیگران ناشی از حق خداوند بر او است.

۷. راهکار ایجاد یا تقویت روحیه مسئولیت پذیری چیست مسئولیت پذیری با انسان‌شناسی رابطه مستقیمی دارد بنابراین انسان باید تلاش کند تا حقیقت خویش و رابطه خود با پروردگار را بشناسد و آن را در روان خود راسخ کند باید دانست که همگی مخلوق خدا هستیم و خدا مالک ماست و این نیازمندی ما به خداوند در ادامه حیات نیز باقی است این درک باعث ایجاد و تقویت روزافزون مسئولیت‌پذیری در آدمی خواهد شد.

درس پانزدهم

۱. هر یک از واژگان صله رحم را در لغت معنا کرده، پیوند میان آنها را بیان کنید.

صله در لغت از ریشه وصل به معنای رسیدن و ضد معنای هجران و دوری و قطع رابطه است، رحم در لغت به معنای محلی برای نشو، نمای جنین در بدن مادر است و از آن نظر که اقوام و خویشان به سبب پیوند فامیلی همگی از یک رحم تولد یافته اند به آنان نیز اطلاق میشود

صله رحم ینی ارتباط و پیوند داشتن با خویشاوندان است که از کمترین مراتب پیوند سلام کردن و رفت و آمد تا ایثار و مواسات با خویشان و اقوام در مال و ثروت و ابرو که بالا ترین مصداق نیز همین ایثار است

۲. جایگاه صله رحم را در قرآن کریم تبیین کنید.

در قرآن صله رحم جایگاه بسیار بالایی دارد

تا جایی که در صله رحم و لزوم پرهیز از قطع رابطه میان خویشان را با تقوای الهی در هم تنیده شده (آیه ۱ نساء)

در جای دیگر نیکی به نزدیکان در کنار احسان به والدین آمده و از مصداق برجسته صله رحم است و در کنار بندگی خداوند به عنوان میثاق الهی بنی اسرائیل یاد شده، و در جای دیگر یکی از مهمترین شاخصه های نیکو کاری بخشش مالی به خویشان دانسته شده است.

۳. صله رحم و قطع رحم هر کدام در روایات دارای چه آثاری است؟

این سوال خیلی جوابش طولانی حدود یک و نیم صفحه برای همین پیشنهاد میکنم فقط به بچه ها آدرس بده

از صفحه ۱۵۹ پاراگراف دوم فراتر از.... تا صفحه ی ۱۶۱ سر راهکار دوری...

۴. راهکار اخلاقی دوری از قطع رحم چیست؟

از منظر اخلاق اسلامی عداوت یا بخل و خساست و رزائل اجتماعی از این دست انسان را به قطع ارتباط با ارحام برمی انگیزد، کسی که دچار بی انگیزی در ارتباط با ارحام یا قطع صله شده باید توجه داشته باشد که ممکن است به وجود آمدن بیماری های مهلک اخلاقی سبب این کار شده باشد. چنین کسی باید به درون خود مراجعه کند و با ارزیابی واقع بینانه الام اخلاقی خویش را درمان کند. و بعد با توجه به فواید فراوان مادی و معنوی صله رحم تمام تلاش خود را برای ایجاد پیوند عاطفی و پایدار با خویشان و اقوام مبذول دارد و به کمترین مراتب صله رحم

رضایت ندهد. بلکه با شریک دادن اقوام خویش در مواهب دنیوی خود به بالا ترین فیوضات از این فضیلت اخلاقی دست یابد.

سوال ۵ و ۶ حذف

۷. آیا صله ارحام خویشاوندان سببی راهم شامل میشود یا تنها به خویشاوندان نسبی اختصاص دارد؟

بین جواب سوال رو پیدا نکردم توی کتاب ولی بنظر خودم جوابش باید این باشه چون معنی صله رحم ینی کسایی که به سبب فامیلی از یک رحم باشند پس شامل اقوام نسبی میشه از طرفی هم چون گفته شده به هم کیش بودن خویشان بستگی نداره پس به سببی ها هم مربوط میشه.

درس شانزدهم

۱. الطاف خداوند به شخص بیمار را نام ببرید. در حال بیماری دعا مستجاب است همه گناهان پاک می شود ناله مریض تسبیح صیحه او تهلیل

خوابیدن عبادت پهلو به پهلو شدن او جهاد با دشمنان خدا است یک شب تب کردن معادل یک سال عبادت دو شب تب کردن معادل دو سال عبادت و سه شب تب کردن معادل ۷۰ سال عبادت است

۲. اهمیت عیادت بیمار را با استفاده از مفهوم روایات بیان کنید.

طبق فرمایش امام باقر و امام صادق علیهم السلام روز قیامت بنده مومن را به درگاه الهی می آورند و به آسانی حسابرسی می شود خداوند او را مورد عتاب قرار داده و می پرسد چرا از من به هنگام مریضی عیادت نکردی بنده می گوید پروردگارا تو رب هستی و به درد و رنجی مبتلا نمی شوی پس خداوند می گوید هر که مومنی را عیادت کند مرا عیادت کرده است پس خداوند می فرماید فلانی را میشناسی و بنده می گوید بله خطاب می آید چه چیز تو را بازداشت از اینکه او را در حال بیماری عیادت کنی اگر او را عیادت میکردی مرا عیادت کرده بودی و پس اگر حاجتی میخواستی برایت برآورده میکردم.

۳. عیادت بیمار چه آثاری دارد؟ ۱. اجرای دستور خداوند و کسب رضایت و محبت خداوند ۲. شادی بیمار بستری شده ۳. یاد کردن نعمت مخفی سلامت ۴. ادای حق دینی برادر مومن ۵. ایجاد حس نوع دوستی و همدردی ۶. رفع مشکلات و خواسته های شخصی بیمار و خانواده او ۵. در روایت چه آثاری برای هدیه بردن نزد بیمار ذکر شده است؟ از یکی از دوستداران امام صادق علیه السلام نقل شده است که زمانی که عده ای را دیدند که به عیادت مریضی می روند فرمودند آیا سیبی بهی ترنجی کمی از عطر یا ترکه ای خوشبو همراه یکی از شما هست و آنها گفتند از این چیزها با خود نداریم حضرت فرمودند مگر نمی دانید که بیمار از این که چیزی برایش ببرند آرامش می یابد.

۶. پرستاری و رسیدگی به بیماران را توضیح دهید. قرآن و پاداش فراوانی برای او بشارت داده شده است شخص پرستار از گناهانش پاک می شود مانند روز ولادت خود می گردد در روایت آمده حق مسافری که بیمار شود و رفقاییش این است که سه روز در کنار او اقامت کنند.